

بررسی تأثیر تعلیم داستان‌های قرآنی بر درک فریافت‌های دینی در میان دانش‌آموزان مقطع ابتدایی

بهاره عزیزی نژاد*

چکیده

تحقیق حاضر با هدف کلی بررسی تأثیر داستان‌های قرآنی بر درک فریافت‌های دینی در میان دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی انجام شده است. روش تحقیق، شبه آزمایشی با پیش و پس آزمون است. جامعه آماری مشتمل بر همه دانش‌آموزان دختر پایه پنجم شهر ارومیه است که حجم نمونه آماری ۸۰ نفر انتخاب شد و به دو گروه آزمایش و گواه به صورت تصادفی تقسیم شدند. ابزار تحقیق شامل پرسشنامه محقق ساخته مشتمل بر ابعاد سه گانه فریافت‌های دینی در حوزه اعتقادات، احکام و اخلاق بوده است که پایایی ابزار با آلفای کرونباخ در حد مطلوب و به مقدار ۰/۸۱ به دست آمد. تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS و آمار استنباطی انجام شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که میانگین نمرات پس آزمون در دو گروه آزمایش و گواه در بعدهای اعتقادات، احکام و اخلاق فریافت‌های دینی تفاوت معنادار دارند ($P=0/00 < 0/05$) و با اطمینان ۹۵٪، تعلیم از راه داستان‌های قرآنی بر درک فریافت‌های دینی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی در ابعاد اعتقادات، اخلاق و احکام تأثیر دارد. در پایان، می‌توان اذعان داشت که درک فریافت‌های دینی در بعدهای اعتقادات، احکام و اخلاق از طریق داستان‌های قرآنی، در قیاس با شیوه مستقیم و معمول بهتر انجام می‌شود. در پایان پیشنهادهای کاربردی در راستای نتایج حاصله ارائه شده است.

واژگان کلیدی: ابعاد فریافت‌های دینی، داستان‌های قرآنی، دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی

مقدمه و بیان مسئله

در تربیت اسلامی بر درک و یادگیری اصول و مفاهیم دینی به‌عنوان امری اثرگذار بر کیفیت زندگی انسان‌ها و سبک آن تأکید بسیار شده است و همین امر باعث شده تا شناخت و به دنبال آن کاربست مفاهیم و فریافت‌های دینی موضوعی اساسی تلقی و از سنین پایین نسبت به تعلیم و نهادینه کردن معارف اسلامی و دینی اقدام شود. دغدغه و مسئله اصلی متولیان امر حاضر، به خصوص کادر آموزش و پرورش و والدین، حساسیت بر یادگیری، درک و یادسپاری است تا در پرتو آن اهداف عالی تربیتی محقق شوند (فلورشم،^۱ ۱۹۹۳، ص ۳۳-۵۱). واقعیت این است که در نظام‌های آموزشی، در موقعیت‌های رجعی، مواجهه با فراگیرانی که گاه تعداد آنها هم کم نیست و قادر به بهره‌گیری از دانسته‌های خود در موقعیت‌های واقعی و متمایز با دوره آموزشی نیستند، حساسیت مسئله را دو چندان می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، شیوه مناسب ارائه مطالب، راه را برای درک و یادگیری هموار می‌کند. یکی از روش‌های این امر کاربست راهبرد داستانی است. این راهبرد به‌ویژه برای کودکانی که در مراحل پایین رشد شناختی و قابلیت‌های ذهنی به سر می‌برند، می‌تواند چهارچوبی از موقعیت ذهنی رجعی ایجاد کند و فراگیر را با ایجاد یک چالش برای ورود به محتوا آماده سازد (گراشام،^۲ ۲۰۱۱، ص ۵۶۹-۵۸۵). افزون بر آن شنیدن داستان از امور مورد علاقه کودکان و نوجوانان است و تأثیر آن تا حدی است که نه تنها حامل پیام‌های مفیدی است، بلکه در صورتی که به‌طور جذاب و مناسب طراحی و بیان شود، کودک و نوجوان می‌کوشد خود را با شخصیت‌های آن داستان همانند کند (خلجی، ۱۳۹۱، ص ۹۸). این در حالی است که در بسیاری از مدارس کشور، شیوه مورد استفاده اغلب به آموزش مستقیم، منتهی می‌شود که ثمره آن به درونی‌سازی ارزش‌ها و رفتارهای دینی منجر نمی‌شود (ساجدی، ۱۳۸۴، ص ۲۲-۲۳). رشتچی در مقاله‌ای تحت عنوان «ادبیات داستانی کودکان و نقش آن در رشد تفکر» بر این مطلب صحه می‌گذارد و استفاده از قصه‌های مخصوص کودکان و نوجوانان در برنامه‌های درسی مدارس را کم‌رنگ عنوان می‌کند (رشتچی، ۱۳۸۹، ص ۲۳-۳۷). به این ترتیب، پرسش اصلی تحقیق حاضر این است که آیا تعلیم داستان‌های قرآنی بر درک فریافت‌های دینی دانش‌آموزان تأثیر دارد؟

داستان یا قصه به حکایت یا نوشته‌ای اشاره دارد که در ازمنه کهن، شخصیت‌های مختلف خیالی یا واقعی، ماجراهایی را در آن رقم می‌زدند. از این‌رو، روایت و نقل داستان‌ها و قصه‌ها به منظور آموزش، انتقال تجربه‌ها و تاریخ معمول شده‌اند. مروری بر پژوهش‌های علوم‌شناختی نشان می‌دهد که داستان‌گویی از مهم‌ترین روش‌های غیرمستقیم برای انتقال مفاهیم به‌ویژه برای کودکان به‌شمار می‌آید (اسکندری و کیانی، ۱۳۸۶، ص ۲۳). افلاطون از جمله اندیشمندان متقدمی بود که

1. Florshem

2. Gerasham

با اختصاص بخشی از کتاب جمهوریّت خود به اهمیت داستان، بر آن تأکید کرد (رحماندوست، ۱۳۸۱، ص ۴۶). فردریک فروبل^۱، مؤسس کودکانستان، با درک نقش داستان‌گویی در تربیت کودکان، آن را جزء محورهای کاری خود قرار داد (اربابان و قافله‌کش، ۱۳۸۵، ص ۲-۱۰). اریکسون نیز از قصه با عنوان تلقین شفا بخش یاد می‌کند و دلیل آن را کاهش اضطراب کودک از راه همسان‌سازی با شخصیت‌های داستانی و سازگاری عواطف می‌داند (اریکسون، ۱۳۸۲، ص ۴۴-۴۸). به اعتقاد فیشر^۲ سطوح متفاوت معنایی و فحوایی در داستان‌ها به مخاطب کمک می‌کنند تا به نگرشی نو در مسائل مختلف زندگی دست یابد (فیشر، ۲۰۰۳، ص ۲۵-۲۸). در واقع، قصه‌گویی می‌تواند روش مطلوبی برای رشد و پرورش قدرت تفکر و تخیل محسوب شود. لیپمن^۳ نیز بهترین روش برای آموزش تفکر به کودکان را استفاده از داستان می‌داند (رشتچی، ۱۳۸۹، ص ۲۳-۳۷) و آمبروسینی^۴ قصه‌گویی را روشی مناسب برای یادگیری مهارت‌های با محیط مطرح می‌کند (آمبروسینی، ۲۰۰۰، ص ۸-۱۲). در نهایت، باندورا با تأکید بر این مطالب، قصه‌گویی را شیوه‌ای مؤثر در جهت تقویت و اصلاح رفتار، سازگاری، به‌کارگیری و انتخاب گزینه‌های درست در زندگی می‌داند (باندورا، ۱۹۹۲، ص ۲۵-۳۴).

در راستای تربیت دینی، داستان‌ها ضمن بیان وقایع مهم اقوام و ملل، واژگان، اصطلاحات، نام‌ها، ضرب‌المثل‌ها و... را مطرح می‌کنند و از این راه علاوه بر ایفای نقش مهم و رسالت جدّی خود، به سبب جذابیت، کشش، زیبایی و نقشی که در برانگیختن حس کنجکاوی دارند، می‌توانند بسیاری از مفاهیم را به آسانی منتقل کنند. از این‌رو، انتقال مفاهیم به روش غیرمستقیم، هم باعث جذب بهتر و سریع‌تر مفاهیم می‌شوند، هم درک و فهم آنها را عینی‌تر و ساده‌تر می‌سازند و در پایان منجر به ترسیم الگوهای برای سرمشق‌گیری و تبعیت از گفتار و رفتار می‌شوند (بختیاری، ۱۳۹۰، ص ۱۴).

چنانچه قرآن به‌عنوان کامل‌ترین کتاب آسمانی، به وضوح داستان‌های قرآنی را مایه عبرت‌آموزی برای صاحبان‌خرد معرفی می‌کند و استفاده قرآن از روش قصه‌گویی بیانگر اهمیت رویکرد حاضر و اثربخشی آن است (افشار و باقری، ۱۳۹۱، ص ۱۱). در واقع، تبیین داستان‌های قرآنی در قیاس با روش مستقیم، با ساخت الگوی ذهنی، زمینه رشد شناختی کودک را فراهم می‌کنند و گرایش‌های معنوی را تقویت می‌کند. در این صورت، زمینه علاقه و انگیزه به مسائل دینی فراهم می‌شود و نوعی اشتیاق و رضایت در کودک و نوجوان از انجام اعمال دینی بر جای می‌گذارد که خود درونی‌سازی اعمال اخلاقی را آسان می‌کند. قرآن، مملو از داستان‌هایی است که در بیشتر آنها، مفاهیم مهم توأم با دعوت به تأمل به همراه طرح پرسش‌ها، انسان را به تفکر

1. Fredrich Froebel

2. Fisher

3. Lipman

4. Ambrosini

وا می‌دارد تا افراد را به سوی گزینه‌های انتخابی صحیح هدایت کند (اسکندری و کیانی، ۱۳۸۶، ص ۲۴). این مفاهیم یا فرایافتهای دینی در برگزیده اعتقادات، احکام و اخلاق می‌باشند، که بهتر است به صورت غیر مستقیم و متناسب با میزان تمایل و توان و با روش‌هایی مانند پرسش و پاسخ، تشویق و ترغیب، هنر، نمایش، بازی و داستان آموزش داده شوند (پورسید آقایی، ۱۳۸۹، ص ۸۱). در واقع، عصا‌رۀ دین و در یک کلام ارکان دین در سه حوزه اعتقادات، احکام و اخلاق نمود می‌یابد که با هم ممزوج هستند و نمی‌شود آنها را از هم جدا کرد (اسماعیلی زاده و آجلیان مافوق، ۱۳۸۹، ص ۵۱-۸۴). از این رو، در تحقیق حاضر سه زمینه مذکور بررسی شده است. از دیدگاه پورسید آقایی، مفاهیم دینی یا فرایافتهای دینی به ادراکی گفته می‌شود که به شکوفایی فطرت الهی منجر شود و زمینه آشنایی، ارتباط و انس کودک با خدا را فراهم آورد که مشتمل بر آموزه‌های اعتقادی، احکام و مضامین اخلاقی هستند (پورسید آقایی، ۱۳۸۹، ص ۸۳). فرایافت یا مفهوم همان معنایی است که در ذهن تصور می‌شود و حتی واژه‌های انتزاعی، کلی و ذهنی که برای توضیح دادن یا معنا دادن به تجربیات، و نیز نامیدن، شناخت و تمییز به کار می‌رود را دربر می‌گیرد. در واقع، فرایافتها وجود ذهنی و کلی هستند که مقدمه و پیش‌زمینه‌ای بر عمل محسوب می‌شوند. به دیگر سخن، مفهوم، وجود ذهنی است و مصداق، وجود خارجی (هوی و میسکل، ۲۰۱۲، ص ۲۵). انتقال مفاهیم و فرایافتهای دینی در قالب تربیت دینی که جنبه‌ای از روند تعلیم و تربیت است انجام می‌شود و مشتمل بر فعالیت‌های هدفمندی است که در نظام آموزش و پرورش کشور به منظور تقویت، ایجاد شناخت و باور به معارف دینی، گرایش به ارزش‌ها و هنجارهای دینی و التزام عملی به احکام و دستورات دینی طراحی شده است (صادق‌زاده قمصری، ۱۳۸۰، ص ۲۱۱). از این رو، تحقیق حاضر در پایه پنجم مقطع ابتدایی و از دیدگاه ابعاد اعتقادی، احکام، اخلاق و انتظارات آموزشی در این پایه بررسی شده است.

بعد اعتقادات دینی: بنیادی‌ترین سطوح معارف اسلامی، شناخت اصول اعتقادی است. توحید، معاد، نبوت، عدل و امامت از مهم‌ترین ابعاد شناختی در این حوزه است (بختیاری، ۱۳۹۱، ص ۱۲-۱۴). از جمله انتظارات آموزشی در حوزه توحید می‌توان به اعتقاد به وحدانیت خالق، نشانه‌های قدرت خداوند، نظم پدیده‌های خلقت، پرستش خداوند متعال اشاره کرد. انتظارات آموزشی در حوزه معاد، شامل اعتقاد به معاد، آخرت و آگاهی از تأثیر آن در زندگی و اصلاح رفتار با اعتقاد به آن است. در حوزه نبوت، احساس نیاز به هدایت خداوند از طریق پیامبر ﷺ به عنوان هادی و رهبر دینی؛ در حوزه عدل، اعتقاد به عدالت خداوند و در حوزه امامت،

شناخت اهل بیت و امامان (علیهم‌السلام) به‌عنوان بهترین الگوهای زندگی، تولی نسبت به امامان و تبری از دشمنان آنها، شناخت امام زمان (عجل‌الله‌فرجه) و نائبان وی در دوره غیبت است.

بعد احکام دینی: در مقطع ابتدایی، برنامه درسی دینی شامل آموزش احکام به‌صورتی است که دانش‌آموزان به تدریج با احکام مورد نیاز به‌هنگام ورود به سن تکلیف و متناسب با توان ادراکی و شناختی آشنا شوند. بخش احکام در این دوره قصد مهارت‌آموزی در رفتارهای دینی را دارد تا حدی که مطرح کند، عبادت در اسلام آداب خاصی دارد و یک فرد مسلمان ملزم به رعایت آن آداب است. برای نمونه، شناخت محرم، نامحرم، پوشش اسلامی، نماز و روزه در این دسته تعلیمات قرار می‌گیرد.

بعد اخلاق دینی: ترویج فضایل اخلاقی، اصلاح و تکمیل مکارم اخلاقی، هدف از بعثت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و به دنبال آن یکی از مهم‌ترین اهداف ائمه اطهار (علیهم‌السلام) بوده است (همان). مطالعه نظام ارزشی اسلامی و عوامل وحدت مسلمانان با تأکید بر قرآن و قبله، سلوک معاشرت و مهمانی، تربیت بدنی و تفریحات سالم، آداب علم‌جویی و دانش‌آموزی از جمله مواردی است که از دانش‌آموزان مقطع ابتدایی انتظار می‌رود بدانند و در این راستا روایات دینی و اخلاقی روشن‌کننده هستند.

با امعان نظر به واقعیت‌های بیان شده در امر تعلیم و تربیت، به‌ویژه در حوزه دینی، بیان داستان می‌تواند به منزله روشی اثرگذار و غیرمستقیم بر اعماق روح کودک و نوجوان مطرح باشد. در ارتباط با پیشینه تحقیق می‌توان عنوان کرد، پژوهشی که به‌صورت مستقیم با موضوع حاضر مطابق باشد یافت نشد. بنابراین، تحقیقات مشابه که به‌صورت غیرمستقیم به موضوع مرتبط است، بیان شده‌اند. برای نمونه، می‌توان به تحقیق باغستانی اشاره کرد. وی در پژوهشی به بررسی نگرش سیصد نفر از دانش‌آموزان دختر دبیرستانی نسبت به برنامه‌های تربیت دینی و مذهبی در دبیرستان‌ها پرداخته و به این نتایج رسیده است که محتوای دروس دینی و قرآن متناسب با نیازهای آموزشی و دینی دانش‌آموزان بوده و نیز محتوای دروس مرتبط با احکام راجع به مسائل شرعی در حد متوسط بوده است. به‌علاوه برگزاری مناسب‌های مذهبی، رفتار اولیای آموزشگاه و نیز مطالعه کتب مذهبی توسط خانواده و همسالان در گرایش دانش‌آموزان به مذهب در حد بالایی تأثیر دارد (باغستانی، ۱۳۷۸، ص ۱۷-۲۰).

شعبانی ضمن بررسی تطبیقی برنامه‌های درسی دینی و اخلاقی دوره ابتدایی در ایران و چند کشور جهان، به این نتیجه می‌رسد که در کشورهای مورد نظر کم و بیش از شیوه‌های فعال و غیرفعال به‌طور هم‌زمان استفاده می‌کنند، اما در کشور مالزی بر روش‌های فعال (داستان‌سرایی، نمایش، شبیه‌سازی و بحث و گفتگو)، بیش از دیگر کشورها تأکید می‌شود (شعبانی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۹-۱۶۵).

هویدا و همایی در پژوهشی بر روی کودکان ۴-۶ ساله در سه مهدکودک شهر اصفهان به این

نتیجه رسیدند که میان میانگین نمرات کودکان گروه آزمایش و کنترل در زمینه تأثیر قصه‌های قرآنی بر چهار حیطة هوش هیجانی (درک عواطف و احساسات خود و دیگران، کنترل احساسات و عواطف، مهارت اجتماعی، خوش‌بینی و نگرش مثبت) تفاوت معناداری وجود دارد (هویدا و همایی، ۱۳۸۹، ص ۵۱-۷۶).

اسکندری و کیانی در پژوهشی نشان دادند که داستان‌های قرآن در افزایش مهارت فلسفه‌ورزی و پرسشگری دانش‌آموزان مؤثر است (اسکندری و کیانی، ۱۳۸۶، ص ۲۳-۲۹). رشتچی در مطالعه خود چنین نتیجه‌گیری می‌کند که قصه و داستان می‌تواند نقش بسزایی در پیشبرد تفکر کودکان داشته باشد و تعامل بزرگسالان با کودکان را هموار می‌کند و در عین افزایش قدرت تفکر، آنها را با رفتارها و مسائل اجتماعی، دینی و اعتقادی آشنا می‌سازد (رشتچی، ۱۳۸۹، ص ۲۳-۳۷). محمدی در مطالعه‌ای با عنوان «ارزیابی داستان‌های دینی منتشر شده برای کودکان و نوجوانان بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ از نظر کیفیت محتوا، ساخت و پرداخت، زبان و بیان» و شیوه نگارش به این یافته‌ها رسیده است که بیان نکردن منابع و مآخذ، ارائه نصیحت مستقیم و داشتن تعصب، و در بخش کیفیت محتوا، رساندن پیام مورد نظر به خواننده همراه با نتیجه‌گیری و افتادن در دام پند و شعار، رواج آسان‌پسندی و خلاقانه نبودن آثار و ترسیم مبالغه‌آمیز شخصیت‌های مذهبی در بخش ساخت و پرداخت، پایبند نبودن نویسندگان به توضیح کلمات و اصطلاحات دشوار و نامفهوم در پانویس، سلیس و روان نبودن زبان اثر در بخش کیفیت زبان، بیان و شیوه نگارش به‌عنوان مهم‌ترین مشکلات داستان‌ها است (محمدی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۹-۱۳۶). خلجی طی پژوهشی نشان داد که اهمیت قصه در تربیت، نامأنوس بودن آموزش مفاهیم دینی با ذهن کودک، ارائه الگوهای دینی به کودک، ایجاد محبت نسبت به شخصیت‌های دینی، تهذیب اخلاق و عبرت‌آموزی از جمله تأثیراتی هستند که قصه‌ها در کودکان ایجاد می‌کنند (خلجی، ۱۳۹۱، ص ۹۷-۱۱۶).

فیشر^۱ عنوان می‌کند که داستان می‌تواند دنیایی خیالی را به منزله موضوع کاوش فکری خلق کند؛ زیرا داستان ساختاری هوشمندانه دارد که در عین اینکه ما را از بند مکان و زمان کنونی رها می‌کند، به بیان روال عادی وقایع می‌پردازد، وسیله‌ای برای درک جهان و خویشتن است و دغدغه‌های بشری را در خود جای می‌دهد (فیشر، ۲۰۰۳، ص ۲۵-۳۰). رایت و براندون^۲ ضمن اشاره به اهمیت زبان غیرمستقیم برای ارائه محتوای آموزشی، پیشنهاد کرده‌اند که به منظور برانگیختن دانش‌آموزان به یادگیری فعال باید از قصه و داستان برای وادار کردن فعالانه آنها به تفکر، تصویرسازی ذهنی و خلاقیت، بیش از هر روش دیگری بهره‌برداری شود

1. Fisher

2. Wright & Brandon

(رایت و براندون، ۲۰۰۰، ص ۳۸-۴۵). به زعم کاسلین^۱ در برنامه آموزشی مهدهای کودک، هنر جایگاه خاصی دارد و مربیان به کمک هنرهای مختلف، به ویژه هنر قصه‌گویی می‌توانند بسیاری از رفتارهای خوب را در کودکان ایجاد کنند (کاسلین، ۲۰۰۰، ص ۱۱-۱۳). «بار-آن»^۲ با مطالعه‌ای بر روی دانش‌آموزان، دریافت که کیفیت محتوای برنامه‌های درسی دینی در برآورد رفتارهای مذهبی دانش‌آموزان نقش دارد. کیفیت محتوای برنامه‌های درسی دینی به همراه زمان بیشتر برنامه‌های دینی در هفته می‌تواند رفتارهای مذهبی دانش‌آموزان را برآورد کند و در عملکرد آنها تأثیر مثبت دارد (بار-آن، ۲۰۱۰، ص ۶۹-۷۹). با توجه به مطالب بیان شده و تحقیقات انجام یافته و با توجه به این نکته که بازگویی و طرح داستان‌های قرآنی نقش اساسی در یادگیری، تفکر و شناخت دارد، محقق در پی پاسخگویی به این سؤال اصلی است که آیا طرح و بازگویی داستان‌های قرآنی تأثیری بر درک فرایافتهای دینی در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی دارد؟ در همین راستا فرضیه‌های ذیل مطرح می‌شوند.

فرضیه اصلی

داستان‌های قرآنی بر درک فرایافتهای دینی در دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی تأثیر دارد.

فرضیه‌های فرعی

۱. داستان‌های قرآنی بر درک فرایافتهای دینی در بعد اعتقادات دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی تأثیر دارد؛
۲. داستان‌های قرآنی بر درک فرایافتهای دینی در بعد احکام دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی تأثیر دارد؛
۳. داستان‌های قرآنی بر درک فرایافتهای دینی در بعد آموزه‌های اخلاقی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی تأثیر دارد.

روش‌شناسی

روش تحقیق از نوع شبه آزمایشی^۳ با دو گروه آزمایش و گواه با پیش‌آزمون و پس‌آزمون^۴ است. برای اجرا محتوایی بر پایه فرایافتهای دینی در ابعاد سه‌گانه (اعتقادات، اخلاقیات و احکام)، مبتنی بر محتوای کتاب هدیه‌های آسمان پایه پنجم ابتدایی تهیه شد؛ سپس با تعدادی از داستان‌های قرآنی که مفاهیم دینی پیش‌گفته از آنها قابل استنباط است، پیش‌آزمون بر روی گروه‌های آزمایش و گواه انجام شد و سپس امر آموزش با داستان‌های قرآنی بر روی دانش‌آموزان

1. Caslin

2. Bar-on

3. Quasi-Experimental

4. Pretest-posttest control group design

گروه آزمایش اجرا شد و گروه گواه با روش مستقیم و بدون کاربست داستان‌های قرآنی تحت تعلیم قرار گرفتند و در پایان از هر دو گروه، آزمونی به عمل آمد و درک فریافت‌های دینی گروه‌ها بررسی شد. مدت زمان اجرا برای گردآوری داده‌ها، در قالب یک نیم‌سال تحصیلی در مدارس ابتدایی یعنی ۱۶ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای بود. در جلسات تعیین شده براساس سرفصل و عناوین کتاب هدیه‌های آسمانی، داستان‌های قرآنی شامل داستان حضرت محمد ﷺ، زکریای نبی ﷺ، حضرت ابراهیم ﷺ، حضرت عیسی ﷺ، نجاشی، شاه عبدالعظیم حسنی، حضرت علی ﷺ، امام زمان ﷺ مطرح شدند. جامعه آماری شامل همه دانش‌آموزان دختر پایه پنجم مدارس ابتدایی دولتی شهر ارومیه بود که از میان مدارس ابتدایی، یک مدرسه دخترانه و در آن مدرسه دو کلاس پنجم به‌طور تصادفی انتخاب شدند تا در گروه‌های آزمایش و گواه (هر کلاس به تعداد ۴۰ نفر) قرار گیرند. به این ترتیب حجم نمونه آماری ۸۰ نفر در نظر گرفته شد. برای جلوگیری از دخالت عوامل و متغیرهای مزاحم از گروه‌های برابر استفاده شد. سن، جنس، پایه تحصیلی و دین (ارزش‌ها و باورها) در بین گروه آزمون و گواه یکسان انتخاب شده است (یعنی همه دانش‌آموزان دختر یازده ساله در پایه پنجم که به دین اسلام اعتقاد دارند). به منظور سنجش آموخته‌های دانش‌آموزان از ابزار آزمون سنجش یادگیری‌های مفاهیم و فریافت‌های دینی محقق ساخته استفاده شده است، روایی^۱ ابزار، با نظر معلمان و اساتید احراز شد و پایایی^۲ با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ محاسبه شد. جهت آزمون فرضیه‌ها، از آزمون تحلیل کواریانس با نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

داده‌های مربوط به یک فرضیه اصلی و سه فرضیه فرعی در ذیل با جدول‌های مربوط به آزمون‌های آماری ارائه شده‌اند.

برای تعیین تأثیر متغیر مستقل، با حذف اثر پیش‌آزمون، باید از تحلیل کواریانس استفاده شود، اما استفاده از این آزمون نیازمند توجه به دو پیش‌شرط (برابری یا یکنواختی واریانس‌ها و نرمال بودن توزیع داده‌ها) است. نتایج پیش‌آزمون برای دو گروه گواه و آزمایش جهت آگاهی از آموخته‌های پیشین دانش‌آموزان و اطمینان از هم‌تا بودن دو گروه نشان می‌دهد که میانگین و انحراف معیار نمره‌های مربوط به دانش‌آموزان برای گروه آزمایش $12/14 \pm 2/71$ و برای گروه گواه $11/97 \pm 2/62$ است که اطمینان می‌دهد آزمودنی‌ها در دو گروه آزمایش و گواه همگن و هم‌تا هستند. برای بررسی معنادار بودن تفاوت موجود از آزمون t دو گروه مستقل استفاده شده است.

1. Validity

2. Reliability

برای جدول ۱ معنادار نبودن مقدار F آزمون لون^۱ ($P=0/113 > 0/05$)؛ مؤید فرض همگنی واریانس‌ها است که با لحاظ این قید، مقدار t برآورد شده، معنادار نیست ($P=0/060 > 0/05$)؛ بنابراین، با اطمینان ۹۵٪ دانش‌آموزان در دو گروه آزمایش و گواه از حیث پیشینه آموخته‌های فرایافته‌های دینی، در حد یکسان بوده و تفاوت جزئی موجود بین آنها به خطای اندازه‌گیری مربوط می‌شود.

جدول ۱: قیاس نمرات پیش‌آزمون به تفکیک گروه‌ها با آزمون t گروه‌های مستقل

متغیر	آزمون	آزمون لون			آزمون t جهت برابری میانگین‌ها		
		F	Sig	t	درجه آزادی	سطح معناداری دو دامنه	تفاوت میانگین
پیش‌آزمون	همگنی واریانس‌ها ناهمگنی واریانس‌ها	۲/۳۴۵	۰/۱۱۳	-۱/۷۳۱	۷۸ ۷۰/۲۱۱	۰/۰۶۰	-۰/۸۰۰
							۰/۴۸

بررسی نرمال بودن توزیع‌ها: به این منظور از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. داده‌های جدول ۲ نتایج حاصل را نشان می‌دهد.

جدول ۲: نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمالیتت متغیرهای پژوهش

متغیر	شاخص	نوع آزمون	K-S z	سطح معناداری
درک فرایافته‌های دینی در بعد اعتقادات		پیش‌آزمون	۰/۶۷۱	۰/۷۵۸
		پس‌آزمون	۰/۶۵۸	۰/۷۷۹
درک فرایافته‌های دینی در بعد احکام		پیش‌آزمون	۰/۷۷۸	۰/۵۸۰
		پس‌آزمون	۰/۷۶۹	۰/۵۹۵
درک فرایافته‌های دینی در بعد اخلاق		پیش‌آزمون	۱/۳۹	۰/۰۵۹
		پس‌آزمون	۰/۹۶۰	۰/۳۱۶

برابر داده‌های جدول پیش، چون مقادیر سطح معناداری برای ابعاد و در نهایت متغیر اصلی، اعدادی بیشتر از ۰/۰۵۰ حاصل شده است؛ پس فرض صفر تأیید می‌شود و بنابراین، می‌توان گفت که همه توزیع‌های مورد نظر از ویژگی نرمال بودن برخوردار هستند. بعد از آزمون پیش‌فرض‌های تحلیل کوواریانس، داده‌های جدول ۳ الی ۶ نتایج حاصل برای فرضیه‌های پژوهش را نشان می‌دهد.

1. Levene's Test

فرضیه فرعی ۱. داستان‌های قرآنی بر درک فریافت‌های دینی در بعد اعتقادات دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی تأثیر دارد.

مقایسه میانگین و انحراف معیار نمرات پس‌آزمون در گروه آزمایش $13/17 \pm 2/12$ و گروه گواه $11/0 \pm 3/22$ بیانگر تفاوت به میزان $2/17$ است. افزون بر آن، نتایج تحلیل کوواریانس در جدول ۳ نشان می‌دهد که سطح معناداری برای الگوی تصحیح شده، در سطح خطای 5% معنادار است ($P=0/00 < 0/05$)؛ بنابراین، الگوی مذکور برای شناسایی عامل مؤثر، مناسب است.

جدول ۳: نتایج تحلیل کوواریانس دو گروه آزمودنی در مورد درک فریافت‌های دینی در بعد اعتقادات

منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	ضریب تأثیر اتا
الگوی تصحیح شده	۲/۵۱۷	۲	۱/۲۵۱	۵۸/۰۶۵	۰/۰۰۲	۰/۶۵۲
عرض از مبدأ (مقدار ثابت)	۰/۳۲۰	۱	۰/۳۲۳	۱۴/۸۲۴	۰/۰۰۳	۰/۲۱۱
پیش‌آزمون	۰/۸۰۰	۱	۰/۸۰۰	۳۷/۳۲۷	۰/۰۰۱	۰/۴۰۲
اثر مداخله (گروه)	۲/۲۱۱	۱	۲/۲۱۲	۱۰۲/۱۰۴	۰/۰۱	۰/۶۴۰
خطا	۱/۱۹۱	۷۷	۰/۰۲۲			
کل	۱۹۴/۲۹۵	۸۰				

از سوی دیگر، مقدار F برآورد شده برای متغیر مستقل نیز در سطح خطای 5% ، معنادار می‌باشد ($P=0/001 < 0/05$). بنابراین، با حذف اثر پیش‌آزمون، فرض صفر مبنی بر تساوی میانگین نمرات پس‌آزمون دانش‌آموزان دو گروه کنترل و گواه، ردّ و فرض خلاف (تحقیق) تأیید می‌شود. بنابراین، با اطمینان 95% ، داستان‌های قرآنی بر درک فریافت‌های دینی در بعد اعتقادات دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی تأثیر دارد. همچنین، براساس مقدار ضریب تأثیر (اتا) می‌توان گفت که پس از تعدیل اثر دانش پیشین، حدود 65% درصد واریانس متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین می‌شود. به دیگر سخن، در اثر طرح و کاربری داستان‌های قرآنی، نمرات دانش‌آموزان در بعد اعتقادات، به میزان 68% درصد افزایش داشته است.

فرضیه فرعی ۲. داستان‌های قرآنی بر درک فریافت‌های دینی در بعد احکام دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی تأثیر دارد.

مقایسه میانگین و انحراف معیار نمرات پس‌آزمون در گروه آزمایش $15/12 \pm 2/55$ و گروه گواه $10/0 \pm 3/83$ بیانگر تفاوت به میزان $5/12$ است. برای تعیین تأثیر متغیر مستقل، بر درک فریافت‌های دینی در بعد احکام در بین دانش‌آموزان، با حذف اثر پیش‌آزمون، از تحلیل کوواریانس استفاده شده است. داده‌های جدول ۴ نتایج این آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۴: نتایج تحلیل کوواریانس دو گروه آزمودنی در مورد درک فریافت‌های دینی در بعد احکام

منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	ضریب تأثیر اتا
الگوی تصحیح شده	۲/۳۸۸	۲	۱/۱۸۱	۳۰/۵۹۲	۰/۰۰۰۱	۰/۵۱۰
عرض از مبدأ (مقدار ثابت)	۱/۸۵۱	۱	۱/۸۴۲	۴۷/۵۱۳	۰/۰۰۰۱	۰/۴۶۱
پیش‌آزمون	۰/۲۴۶	۱	۰/۲۴۶	۶/۳۷۰	۰/۰۰۰۳	۰/۱۱۱
اثر مداخله (گروه)	۲/۱۲۴	۱	۲/۱۲۴	۵۴/۸۲۲	۰/۰۱۳	۰/۴۸۸
خطا	۲/۱۴۰	۷۷	۰/۰۳۵			
کل	۲۸۸/۶۶۲	۸۰				

نتایج تحلیل کوواریانس در جدول ۴ نشان می‌دهد که سطح معناداری برای الگوی تصحیح شده، در سطح خطای ۵٪ معنادار است؛ بنابراین، الگوی مذکور برای شناسایی تأثیر متغیر مستقل مناسب است. به‌علاوه مقدار F برآورد شده برای متغیر مستقل نیز در سطح خطای ۵٪ معنادار است ($P=0/013 < 0/05$). بنابراین، با حذف اثر پیش‌آزمون، فرض صفر مبنی بر تساوی میانگین نمرات پس‌آزمون دانش‌آموزان دو گروه کنترل و گواه، ردّ و فرض تحقیق تأیید می‌شود. بنابراین، با اطمینان ۹۵٪، داستان‌های قرآنی بر درک فریافت‌های دینی در بعد احکام دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی تأثیر دارد. همچنین براساس مقدار ضریب تأثیر اتا می‌توان گفت که پس از تعدیل اثر دانش پیشین، حدود ۵۱ درصد واریانس متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین می‌شود. به دیگر سخن، در اثر بازگویی داستان‌های قرآنی، نمرات دانش‌آموزان در درک فریافت‌های دینی در بعد احکام حدود ۵۱ درصد افزایش می‌یابد.

فرضیه فرعی ۳. داستان‌های قرآنی بر درک فریافت‌های دینی در بعد آموزه‌های اخلاقی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی تأثیر دارد.

میانگین و انحراف معیار نمرات پس‌آزمون در گروه آزمایش $15/18 \pm 2/57$ و گروه گواه $12/0 \pm 2/80$ بیانگر تفاوت ۳/۱۸ است، اما به منظور حصول اطمینان از تأثیر داستان‌های قرآنی بر درک فریافت‌های دینی در بعد آموزه‌های اخلاقی، با حذف اثر پیش‌آزمون، از تحلیل کوواریانس استفاده شده است. بنابراین، داده‌های جدول ۵ نتایج این آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۵: نتایج تحلیل کوواریانس دو گروه آزمودنی‌ها در مورد درک فریافت‌های دینی در بعد آموزه‌های اخلاقی

منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	ضریب تأثیر اتا
الگوی تصحیح شده	۲/۰۳۲	۲	۱/۰۱۳	۱۶/۸۱۸	۰/۰۰	۰/۳۶۰
عرض از مبدأ (مقدار ثابت)	۱/۹۸۰	۱	۱/۹۹۱	۳۲/۹۸۹	۰/۰۰	۰/۳۶۶
پیش‌آزمون	۱/۲۳۱	۱	۱/۲۳۱	۲۰/۳۳۱	۰/۰۰	۰/۲۴۵
اثر مداخله (گروه)	۰/۷۳۴	۱	۰/۷۳۴	۱۲/۱۱۱	۰/۰۰۱	۰/۲۷۶
خطا	۳/۳۱۵	۷۷	۰/۰۶۴			
کل	۲۳۴/۱۰۳	۸۰				

داده‌های جدول ۵ بیانگر آن است که مقدار F برآورد شده در سطح خطای ۵ درصد، معنادار می‌باشد ($P=0/001 < 0/05$). بنابراین، با حذف اثر پیش‌آزمون، فرض صفر مبنی بر عدم وجود تفاوت بین میانگین نمرات پس‌آزمون دانش‌آموزان در دو گروه کنترل و آزمایش، ردّ و فرض خلاف تأیید می‌شود؛ پس می‌توان گفت که با اطمینان ۹۵٪ بازگویی داستان‌های قرآنی بر درک فریافت‌های دینی در بعد آموزه‌های اخلاقی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی اثر دارد. با توجه به مقدار ضریب تأثیر (اتا)، می‌توان گفت که حدود ۳۶٪ واریانس متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین می‌شود.

فرضیه اصلی: داستان‌های قرآنی بر درک فریافت‌های دینی در دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی تأثیر دارد.

میانگین و انحراف معیار نمرات پس‌آزمون در گروه آزمایش $16/13 \pm 2/33$ و گروه گواه $12/0 \pm 1/40$ بیانگر تفاوت ۴/۱۳ است و این اختلاف به نفع میانگین نمرات پس‌آزمون می‌باشد، اما به منظور آزمون فرضیه اصلی تحقیق از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شده که نتایج آن مطابق داده‌های جدول ۶ است.

جدول ۶: نتایج تحلیل کوواریانس دو گروه آزمودنی‌ها

منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	ضریب تأثیر اتا
الگوی تصحیح شده	۲/۰۸۷	۲	۱/۰۵۱	۸۲/۷۱۵	۰/۰۰۳	۰/۷۲۱
عرض از مبدأ (مقدار ثابت)	۰/۱۷۷	۱	۰/۱۷۷	۱۴/۵۲۲	۰/۰۰۲	۰/۲۰۵
پیش‌آزمون	۰/۳۶۶	۱	۰/۳۶۶	۲۹/۷۵۵	۰/۰۰۰۱	۰/۳۵۱
اثر مداخله (گروه)	۱/۵۲۳	۱	۱/۵۲۳	۱۲۰/۲۶۴	۰/۰۰۰	۰/۶۷۷
خطا	۰/۶۹۸	۷۷	۰/۰۱۲			
کل	۲۳۶/۵۵۴	۸۰				

نتایج تحلیل کوواریانس در جدول ۶ نشان می‌دهد که مقدار F برآورد شده در سطح خطای ۰/۵٪، معنادار است ($P=0/00 < 0/05$). بنابراین، فرض صفر مبنی بر تساوی میانگین نمرات پس‌آزمون دانش‌آموزان دو گروه کنترل و آزمایش، رد شده و فرض تحقیق تأیید شده است. بر این اساس می‌توان گفت که با اطمینان ۹۵٪، بازگویی داستان‌های قرآنی بر درک فرایافتهای دینی در دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی تأثیر دارد. با توجه به مقدار ضریب تأثیر (اتا)، حدود ۷۲٪ واریانس متغیر وابسته توسط متغیر مستقل، تبیین می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از اساسی‌ترین جنبه‌های معارف اسلامی همانا تربیت اسلامی است که یکی از روش‌های حصول این امر، همان‌طور که در قرآن نیز آمده، کاربری داستان‌های قرآنی است. از این‌رو، به دلیل تناسب داستان‌های قرآنی با تمایل و جنبه‌های رشد ذهنی کودکان، دانش‌آموزان کلاس پنجم به منظور بررسی تأثیر داستان‌های قرآنی بر درک فرایافتهای دینی انتخاب شدند. یافته‌ها در زمینه نمرات پس‌آزمون ادراک فرایافتهای دینی دانش‌آموزان در گروه آزمایش و گواه نشان داد تفاوت معناداری بین میانگین پس‌آزمون تأثیر داستان‌های قرآنی بر ابعاد اعتقادی، احکام و اخلاق فرایافتهای دینی وجود دارد. به دیگر سخن، ادراک فرایافتهای دینی توسط داستان‌های قرآنی موجب تقویت گرایش‌های معنوی، ایجاد علاقه و انگیزه به مسائل دینی، نوعی اشتیاق و رضایت از انجام اعمال دینی، یادسپاری عمیق و نهایتاً ارزشمندی وسیع و حرمت قائل شدن و بروز آنها در رفتار و گفتار می‌شود. طرح داستان‌های قرآنی متناسب با موقعیت کودکان به‌طوری‌که برای آنها قابل فهم باشد، می‌تواند با درونی‌سازی ارزش‌ها موجب اصلاح رفتار آنها شود، چنانچه در قرآن نیز در آیه ۶۴ سوره کهف هدف از بیان آنها، عبرت‌آموزی ذکر شده است. نتایج تحقیق حاضر همسو با تحقیق‌های علاءالدین (۱۳۸۴) هویدا و همایی (۱۳۸۸)، دهستانی اردکانی (۱۳۸۹)، محمدی (۱۳۹۰)، خلجی (۱۳۹۱)، رضازاده و شاهرودی (۱۳۹۱)، جعفری (۱۳۹۱)، خلجی (۱۳۹۱)، هلگسون^۱ (۲۰۰۴) و برور (۲۰۱۰) است. محققان حاضر یادگیری آموزه‌های دینی از طریق قصه‌گویی را معنادارتر، عمیق‌تر و پایدارتر می‌دانند و مقارن با این نتیجه، دهستانی اردکانی (۱۳۸۹) با اذعان بر امر فوق، بهره‌مندی از عوامل محرک تأثیر و تمایل کودکان، مانند نحوه بیان، زمان و مکان مناسب، تصاویر و مواد کمک آموزشی را نیز پیشنهاد می‌کند. خلجی (۱۳۹۱) در تبیین کاربری الگوهای دینی در قالب قصه‌های قرآنی، بروز محبت نسبت به شخصیت‌های دینی،

1. Helgeson

را از مهم‌ترین جمله تأثیرات قصه‌های قرآنی مطرح می‌کند. بار-آن (۲۰۱۰) نیز کیفیت محتوای برنامه‌های درسی دینی را در بروز رفتارهای مذهبی دانش‌آموزان مثبت می‌داند. هلگسون (۲۰۰۴) با قصه‌گویی به اصلاح رفتار و کاهش حرکات تهاجمی و یادگیری رفتارهای صحیح پرداخت و مندولوتیز^۱ (۱۹۹۹) با بیان داستان و معرفی شخصیت‌های داستانی شجاع بر کاهش و کنترل اضطراب کودکان فائق آمد که همه بررسی‌های مطرح شده نشان از موفقیت روش راهبرد داستانی بر یادگیری دارد. از محدودیت‌های تحقیق می‌توان به محدود بودن حجم نمونه به دلیل استفاده از روش شبه آزمایشی اشاره کرد. نمونه مورد مطالعه مربوط به دانش‌آموزان دختر و صرفاً پایه پنجم ابتدایی بود که این امر نیز محدودیت تلقی می‌شود. در راستای نتایج تحقیق، پیشنهادهای کاربردی ذیل ارائه می‌شود:

۱. با توجه به تأثیر داستان بر درک فرایفت‌های دینی در سه بعد اعتقادی، احکام و اخلاق در بین دانش‌آموزان پیشنهاد می‌شود که با برگزاری کارگاه‌های دانش‌افزایی و دوره‌های آموزشی، معلمان را به کاربست این روش سوق دهند و با طراحی نظام تشویقی، انگیزه لازم برای استفاده مستمر از این روش ایجاد کنند و با تدارک دوره‌های بازآمایی مهارت‌های داستان‌گویی معلمان را ارتقا دهند.
۲. آموزش‌هایی از طریق مدارس و توسط مربیان و مشاوران در اختیار اولیای دانش‌آموزان قرار گیرد تا در خانه هم‌زمان با مدارس، دانش‌آموزان با داستان‌های قرآنی آشنا شوند.
۳. در برنامه‌های درسی، محتوا و کتب درسی ابتدایی، اهتمام لازم برای درج داستان‌های قرآنی انجام شود.
۴. با ترغیب دانش‌آموزان به تعریف و بیان داستان‌های قرآنی و نیز برگزاری مسابقات دینی کتابخوانی، به ترویج روش داستان‌گویی کمک شود.
۵. طرح داستان‌های قرآنی برای ایجاد بحث گروهی در کلاس درس در راستای یادگیری و درک مفاهیم قرآنی در نظر گرفته شود.

1. Mendlowitz

منابع

- اربابان، مرضیه؛ قافله‌کش، مینا (۱۳۸۵)، استفاده از قصه در فرایند مشاوره‌ای به منظور دستیابی به اهداف تعلیم و تربیت، مقالات برگزیده قصه‌گویی، نهمین جشنواره قصه‌گویی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- اسکندری، حسین و کیانی، ژاله (۱۳۸۶)، تأثیر داستان بر افزایش مهارت فلسفه‌ورزی و پرسشگری دانش‌آموزان، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ۲(۷)، ص ۲۰-۲۶.
- اسماعیلی‌زاده، عباس؛ آجلیان مافوق، محمدمهدی (۱۳۸۹)، «رهیافتی نو بر نحوه تعلیم اعتقادات، اخلاق و احکام در سیر نزول قرآن»، مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال ۴۲، ص ۵۱-۸۴.
- اریکسون، میلتن (۱۳۸۲)، قصه درمانی، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران: دایره.
- افشار، لیلا؛ باقری، علیرضا (۱۳۹۱)، بازخوانی روایی در اخلاق: روشی در آموزش مفاهیم اخلاق پزشکی، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، ۵(۵)، ص ۱۰-۱۸.
- باغستانی، احمد (۱۳۷۸)، نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی نسبت به برنامه‌های تربیت دینی و مذهبی در دبیرستان‌های دخترانه دزفول، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اهواز.
- بختیاری، حسن (۱۳۹۰)، «آموزش دینی زنان مقدمه تربیت دینی فرزندان: مطالعه موردی زنان شهر تهران»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره جدید، شماره ۱۳، ص ۱۲-۱۵.
- پورسید آقایی، زهرا السادات (۱۳۸۹)، «بررسی اثربخشی آموزش مفاهیم دینی بر کاهش اضطراب دختران دانش‌آموزان سال اول دبیرستان منطقه ۹ شهر تهران»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی، ۵(۱۰)، ص ۷۹-۱۰۰.
- جعفری، محمد (۱۳۹۱)، «قصه‌های قرآنی و رویکردهای زبان دینی در تحلیل آنها»، معرفت، ۲۱(۱۷۸)، ص ۱۷-۳۲.
- خلجی، حسن (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر تربیتی قصه‌های قرآنی در تربیت دینی کودکان»، پژوهش‌نامه تربیت تبلیغی، ۱(۱)، ص ۹۷-۱۱۶.
- دهستانی اردکانی، نرگس (۱۳۸۹)، «نگاهی به نقش آموزشی قصه در برنامه درسی دوره ابتدایی»، ماهنامه رشد آموزش ابتدایی، ۱۲(۸)، ص ۲۹-۳۱.
- رشته‌چی، مژگان (۱۳۸۹)، «ادبیات داستانی کودکان و نقش آن در رشد تفکر»، تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱(۲)، ص ۲۳-۳۷.

- رحماندوست، مصطفی (۱۳۸۱)، قصه‌گویی، اهمیت و راه و رسم آن، تهران: رشد.
- رضازاده، نیلوفر؛ شاهرودی، فاطمه (۱۳۹۱)، «جستاری بر انواع تمثیل در مثل‌ها و قصه‌های قرآن کریم»، معرفت، ۲۱ (۱۸۰)، ص ۵۷-۶۸.
- ساجدی، ابولفضل (۱۳۸۴)، «ابزارها و روش‌های آسیب‌زا در تعلیم و تربیت دینی دانش‌آموزان»، کتاب نقد، ش ۳۹، ص ۲۲-۲۳.
- شعبانی، زهرا (۱۳۸۴)، «بررسی تطبیقی برنامه‌های درسی دینی و اخلاقی دوره ابتدایی در ایران و چند کشور جهان»، فصلنامه تعلیم و تربیت، ش ۸۳، ص ۱۱۹-۱۶۵.
- صادق‌زاده قمصری، علیرضا (۱۳۸۰)، تربیت اسلامی، کتاب ششم، تهران: نشر تربیت اسلامی.
- علاء‌الدین، سید محمدرضا (۱۳۸۴)، «نقش داستان‌های قرآنی به نیازهای تربیتی کودکان و نوجوانان»، کوثر، ش ۱۶، ص ۶۱-۶۹.
- فیشر، رابرت (۲۰۰۳)، آموزش و تفکر، ترجمه فروغ کیان‌زاده، اهواز: رسش.
- محمدی، مهدی (۱۳۹۱)، «بررسی داستان‌های دینی کودک و نوجوانان منتشر شده بین سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۵ از نظر کیفیت محتوا، ساخت و پرداخت و کیفیت زبان و بیان»، مطالعات ادبیات کودک، ش ۵، ص ۱۰۹-۱۳۶.
- هویدا، رضا و همایی، رضا (۱۳۸۹)، «تأثیر قصه‌های قرآنی بر هوش هیجانی کودکان»، مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، ۱۱ (۱)، ص ۵۱-۷۶.
- Ambrosini, P.J.(2000). *Historical development*, New bury Park, CA: Sage.
- Bandura, A.(1992). *Human agency in social cognitive theory*, New York: W.H. Freeman.
- Bar-on, R. & Parker, D.A. (2010). *The hand book of emotional intelligence: Theory, development, assessment, and application at home,school and work place*, CA: Sanfrancisco.
- Caslin, N. (2000). *Arts and pre-school*. New Bury park, CA: Sage.
- Fisher, Robert (2003). *Teaching Thinking: Philosophical Enquiry in the Classroom*, London: Continuum.
- Florshem, P.W.(1993). *Family and factors in the psychosocial adjustment of Chinese adolescent immigrant*, North western university, DAI-B 54/07, pp: 33-51.
- Gerasham, Hillary (2011). Emotional, social, and academic adjustment of college student: A longitudinal study of rotintion, *Journal of Counseling and Development*, 72, pp: 569-585.

- Helgeson, V. S. (2004). Cognitive adaptation children, *Health psychology*, 22 (1), pp: 30-38.
- Hoy, Wayne, K. & Miskel Cecil, G. (2012), *Educational Administration: Theory, Research, and Practice*, 9th Edition, Michigan University.
- Mendlowitz, S.L. (1999). Cognitive behavioral group treatments in childhood anxiety disorders: the role of parental involvement, *Journal of the American Academy of child and Adolescent Psychiatry*, v. 38 (10), pp: 1223-1229.
- Wright, A. & Brandon, A. M. (2000). *Religious education in the secondary school: A companion to school experience*. London: Routledge.